

پایان تردیدهای مردم برای تصمیم انتخاباتی



غلامحسین کرباسچی
مدیرمسئول هم‌میهن

معتقدم که در فضای به‌وجودآمده این روزها، مردم بهتر از ما می‌دانند که چه تصمیمی باید بگیرند. اگر کسی تردیدی داشت که رای بدهد یا ندهد و یا نمی‌دانست به چه کسی رای بدهد، فکر می‌کنم همین تبلیغات و کاری که صداسوسیما انجام داد و چینی‌سی که با مهارت تنظیم شد، برای اینکه مطالب خلاف واقع درباره دیگران را به آقای پزشکیان نسبت دهند، برای مردم روشن کرد که چه باید بکنند. ما با جماعتی روبه‌رو هستیم برای آنچه که فکر می‌کنند درست است، هر نوع حرف خلاف واقع و دروغی را مباح می‌دانند و هر وسیله‌ای را برای هدف خودشان موجه می‌دانند؛ برای مقابله با یک صداقت محض که خالصانه با مردم صحبت می‌کند. فکر می‌کنم برای مردم کافی است که با دیدن این صحنه، تصمیم بگیرند رای بدهند و بدانند با چه کسانی طرف هستند که با آرای آن‌ها، در سمت‌های کلیدی کشور قرار خواهند

مقصد کجاست؟

درباره تمایز نگاه تندروها و جامعه مدنی ایران به نهاد انتخابات



محسن صالحی‌خواه
گزارشگر هم‌میهن

میان آنهایی که فائل به مشارکت در انتخابات هستند، دو نگاه وجود دارد: «تکلیف‌محور» و «حق‌محور». گروه اول، تکلیف خود می‌داند که به دلایل مذهبی و ایدئولوژیک در انتخابات شرکت و تکلیف خود را ادا کند. این گروه به دنبال «رئیس‌جمهور مکتبی» می‌گردد که بتوان حفظ ارزش‌های مورد نظر آنان را داشته باشد. آنها خودشان را «جبهه انقلاب» می‌نامند.

گروه دوم، نیروهای مدنی هستند که آنها نیز رنگین‌کمانی از عقاید و نگاه‌های مختلف را نمایندگی می‌کنند. برای آنها، شرکت در انتخابات و کنش سیاسی تکلیفی نیست که عالمان دینی یا آرمان‌گرایان انقلابی بر دوش‌شان گذاشته باشد؛ حق خود می‌دانند که در انتخابات حضور مؤثر داشته باشند یا حتی براساس همین حق، دست به عدم مشارکت بزنند. گروه دوم تلاش می‌کند با حضور در انتخابات، تأثیر منظر خود را بر امور کشور بگذارد، با این مقدمه کوتاه، به این مسئله بپردازیم که مقصد هرکدام از این گروه‌ها کجاست.

تکلیف‌محورها، قرآنی خاصی از سیاست دارند. بخش نه‌چندان کمی از آنها و به‌خصوص نسل‌های سوم و چهارم به‌طور مشخص تحت‌تأثیر آموزه‌های سیاسی خاصی هستند که از میانه دهه هفتاد به صورت سازمان‌یافته تحت عنوان تئوری انقلاب اسلامی ترویج شد. آرمان‌های آنان را می‌توانیم این‌طور دسته‌بندی کنیم: جایگزینی حکومت اسلامی به‌جای جمهوری اسلامی (در ماهیت و تئوری زیربنایی)، غلبه نگاه آنان به دین بر عرف جامعه، نفی تکثرگرایی فکری، نفی اکثریت و غلبه اقلیت خود‌حق‌پندار بر سیستم. آنها براساس همین آموزه‌ها، خود را معادل نظام سیاسی کشور نمایندگانشان دین می‌دانند. گویی که اسم اعظم خداوند در دست آنان است و دیگران خائن، سازشکار، واداده، فریب‌خورده و مانند آن هستند. به همین دلیل سعی می‌کنند نقدهای جدی که به افکار و رفتارشان در کشور وجود دارد را با سپر انقلاب و دین دفع کنند.

این گروه برای‌شان تعیین‌کننده است که فلان سخنران شاخص یا مداح مطرح، از چه کسی حمایت و چه نامزدی را نفی می‌کند. می‌توانیم بگوییم بخشی از شبکه هیئت‌های کشور که رنگ و بوی سیاسی دارند، بخشی از بدنه گروه تکلیف‌پسور را تشکیل می‌دهند و ره‌سوز آنان نیز به اندازه‌ای که تریبون‌هایشان برد دارد، در فقره حمایت از نامزد به اصطلاح مکتبی تأثیرگذار هستند. از سوی دیگر، این گروه تلاش می‌کند که به‌زعم خود، کشف کند نظر رهبری بر کدام نامزد است. در حالی که بارها اعلام شده است که مقام رهبری از هیچ نامزدی حمایت علنی نمی‌کند. تجربه شخصی من از برخورد با این گروه، آن است که گزاره عدم حمایت رهبری از «الف» یا «ب» برایشان اهمیتی ندارد. آنچه مطرح می‌کنند، این است که رهبری نمی‌توانند نظرشان را بگویند؛ اما مشخص است که به فلان و بهمان دلیل، نظرشان بر نامزد خاص است و تمایلی به ریاست‌جمهوری دیگری ندارند. همین مسئله را دستمایه تحلیل و تصمیم‌گیری می‌دهند. انتخابات برای آنها نوعی مناسک است.

مقصد این گروه نامشخص است. حقیقت امر این است که من سال‌ها با آنان زندگی کرده‌ام و در میان‌شان بزرگ شدم، کار کردم و هیچ وقت نفهمیدم هدف و مقصد آرمان‌های آنان کجاست. مدام بر این مسئله تأکید می‌کنند که «اما انقلابی هستیم»، اما مشخص نیست که این انقلاب علیه چه کسی یا افکاری در حال حرکت است. برخی از حکومت جهانی حمایت می‌کنند، برخی معتقد به حرکت در مسیر ظهور هستند، برخی دیگر می‌خواهند ایران را تبدیل به یک برادرت

گرفت. پزشک‌های سابقه‌مدیریتی پاک‌ی دارد. با راستگویی، مقابل مردم گردن خود را گرومی‌گذارد و بارها تکرار می‌کند که من افتخارم این است که وعده دروغ نمی‌دهم، حرف خلاف نمی‌زنم و همواره در سمت مردم می‌ایستم. فکر نمی‌کنم کسی در کشور باشد که به خودش اجازه بدهد با کوتاهی کردن یا رای ندانن، کشور را چهار سال از چنین مدیریتی محروم کند. قطعاً این صداقت، راستگویی، پاک‌ی و درست‌رفتار کردن با مردم از سوی یک مدیر، در کشورمان کم‌سابقه بوده است. با تمام این دلایل، فکر می‌کنم مردم امروز با تمام وجودشان این مسائل را احساس می‌کنند که باعث شود به این نتیجه برسند که در روز جمعه باید چه کار کنند. تنه‌اری دادن ما کافی نیست. ما باید هر چقدر می‌توانیم تلاش کنیم افراد بیشتری پای صندوق‌های رای بیایند تا در همان مرحله اول به نتیجه برسیم و پزشک‌های پاک‌ی بالا و پشتوانه قوی مردمی بتوانند در جایگاه ریاست‌جمهوری قرار بگیرند. امیدوارم آقای پزشکیان در این جایگاه، خیلی از گرفتاری‌ها را حل کند و فرهنگ دروغگویی، چاپلوسی و وعده‌های پوچ را از بین ببرد. آنچه پیش روی ماست، فرصت بسیار مغفتمی است که در این چهار سال و شاید آینده اثرگذار باشد. به امید آنکه بعدها هیچ مدیری نتواند با دروغگویی، وعده خلاف دادن و مقابل مردم ایستادن، فکر کند که می‌تواند در کشور مدیریت کند.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

توصیه اصلاح طلبان و روشنفکران به شهروندان برای مشارکت در انتخابات فردا

رای برای ایران

گروه خبر: صبح روز گذشته کمیته دانشگاهیان ستاد دکتر پزشکیان با همکاری انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، نشست گفت‌وگو و پرسش و پاسخ دانشجویان با نخبگان و فعالان سیاسی را برگزار کرد؛ نشست که عنوان آن «انتخابات، مقاومت نامحدود» انتخاب شده بود تا از این رهگذر سخنرانان برنامه و حاضران در نشست به چرایی ضرورت شرکت در انتخابات این دوره از ریاست‌جمهوری از یک سو و ریشه‌های تردید یا مخالفت بخشی از جامعه برای مشارکت در انتخابات بپردازند. محمد فاضلی، جامعه‌شناس، علی شریفی‌زارچی، استاد اخراج‌شده از دانشگاه صنعت شریف در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ و حمیده ززآبادی، سخنگوی ستاد مسعود پزشکیان نامزد اصلاح‌طلب چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، سخنرانان این جلسه بودند.

سیاست‌ورزی در ایران نیاز به درمان دارد



هادی خانیکی
مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور
در دولت خاتمی

سال ۱۴۰۰ این سوال برایم پیش آمد که مسئله انتخابات به کجا می‌رسد، چه اتفاقی در کشور رخ می‌دهد. بعد از آن بود که آقای خاتمی به من مسئولیت دادند تا مطالعه‌ای انجام دهم درباره زمینه‌های اجتماعی که منجر به این وضع سیاسی در انتخابات شده و مشارکت کم‌تر و رقابت بسست‌تر را رقم زده است. این‌ها اگر چه فعل و انفعالات سیاسی هستند اما ریشه در بستر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارند. بخشی از این مسئله با دوران سرطامن همزمان شده بود و همزمان با انجام شیمی‌درمانی کار را ادامه می‌دادم. می‌توانستم این مشابهت را ببینم که وضع سیاست‌ورزی یا اصلاح‌طلبی در ایران مانند وضعیت همین بیمار سرطانی است که نیاز به شیمی‌درمانی دارد. توجه کنید که ویژگی مهم همه طرح‌های ملی که پیش از این در کشور انجام شده این است که توسط دانشگاهیان میرز و نهادهای مسئول سفارش داده شده بودند. ۲۶ طرح ملی که در ۳۰ سال گذشته انجام شده بود را بررسی کردم. ۱۰ مؤلفه از بررسی این طرح‌ها استخراج کردم که نشان‌دهنده مسائل امروز ما در عرصه سیاست، کسب‌وکار مدنی و سیاست‌گذاری است. این ۱۰ تغییر عبارتند از:

۱. تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. این تغییر محدود به تغییرات نسلی و عده‌توانایی صحبت‌بائسل‌های جدید نیست. نسل‌های پیشین نیز دگرگون شدند.
۲. سرمایه اجتماعی ایران رو به فرسایش رفته است.
۳. تغییر در سبک زندگی رخ داده است. حتی سبک زندگی دین‌دارانه

انتخابات مکانیزم تولید قدرت



محمد فاضلی
جامعه‌شناس

توسعه‌نیافتگی‌ها و ناتوانی‌ها از طریق فرآیندهایی به‌یکباره ممکن نیست. من اعتقادی به راهکارهای خشن، یکباره و مبتنی بر چرخش‌های سریع در قدرت ندارم و چنین راهکارهایی را نمی‌شناسم. بنابراین پیشنهاد می‌کنم از گذشته درس بگیریم و از مکانیزمی برای اصلاحات استفاده کنیم. اصلاحات هم الزاماً اصلاحات سیاسی نیست. گرچه هر اصلاحی از مسیر سیاست می‌گذرد اما نمی‌توان نقطه‌ای ایستاد و همه مطالبات و مسائل مطلوب تاریخ را خواند و گفت که باید این موارد را محقق کنیم. مادر کشور برای داشتن یک زندگی بهتر، توسعه‌یافته‌تر شدن یا حتی یک کشور در حال توسعه بهتر بودن، هزاران اصلاح روی میز داریم مانند اصلاح وضعیت آب‌خوارها، اصلاح فرونشست زمین و... که همه این اصلاحات به کیفیت زندگی مردم کمک می‌کنند. دولت‌های ایران این اصلاحات قدرت دارند. بنابراین این دروغی بزرگ است که دولت‌ها یا یکدیگر تفاوتی نمی‌کنند زیرا نیروی توسعه‌یافته‌تر با ظرفیت طرح مسئله‌های بیشتر ضمن ابراز احترام به همه ایرانیان، سلاطین و احترام به اراده اکثریت و حفظ حقوق اقلیت. مسئله سیاست، قدرت و توازن قدرت است. همه حکومت‌ها در طول تاریخ تنها زمانی تن به اراده مردم داده‌اند که میان قدرت حکومت و جامعه در چارچوب سازمان اقتصادی، سازمان سیاسی، سازمان فرهنگی و سازمان اجتماعی، توازن قدرت شکل گرفته است. این توازن می‌تواند کشورها را به سمت توسعه و دموکراسی پیش ببرد. امروز معتقدم انتخابات مکانیزمی است که از طریق آن می‌توان قدرت تولید کرد، از سوی دیگر افرادی هم معتقدند که انتخابات مکانیزم تولید قدرت نیست و می‌توانند رای ندهند. امروز به پشتوانه قریب ۳۰ سال مطالعه و تألیف در حوزه علوم اجتماعی و بازخوانی تاریخ معاصر ایران، تصور این است که با مشارکت در انتخابات و نماینده داشتن در سطح سیاست و در میان فرادستان، می‌توان مکانیزم اصلاح و توسعه را بهتر پیش برد. فرایند توسعه و دموکراسی پیچیده است، به این معنا که از ابتدای تاریخ بشریت، امنیت وجود داشته؛ یعنی حکومت‌هایی بوده‌اند که امنیت، نان و حتی توسعه اقتصادی را فراهم کرده‌اند اما رسیدن به دموکراسی گران‌ترین و لوکس‌ترین کالای تاریخ سیاست است. می‌توان بدون دموکراسی هم دارای امنیت، نان و توسعه بود. بنابراین این فرایند بسیار پیچیده است. من در بازخوانی تاریخ ایران معاصر نشان دادم که ما بعد از مشروطه موفق نشدیم ظرفیت دولت در ایران را بسازیم. ما نظام اداری بسیار پیچیده و مجموعه‌ای از ناتوانی‌ها و توسعه‌نیافتگی‌ها را داریم. اصلاح این

توسعه‌نیافتگی‌ها و ناتوانی‌ها از طریق فرآیندهایی به‌یکباره ممکن نیست. من اعتقادی به راهکارهای خشن، یکباره و مبتنی بر چرخش‌های سریع در قدرت ندارم و چنین راهکارهایی را نمی‌شناسم. بنابراین پیشنهاد می‌کنم از گذشته درس بگیریم و از مکانیزمی برای اصلاحات استفاده کنیم. اصلاحات هم الزاماً اصلاحات سیاسی نیست. گرچه هر اصلاحی از مسیر سیاست می‌گذرد اما نمی‌توان نقطه‌ای ایستاد و همه مطالبات و مسائل مطلوب تاریخ را خواند و گفت که باید این موارد را محقق کنیم. مادر کشور برای داشتن یک زندگی بهتر، توسعه‌یافته‌تر شدن یا حتی یک کشور در حال توسعه بهتر بودن، هزاران اصلاح روی میز داریم مانند اصلاح وضعیت آب‌خوارها، اصلاح فرونشست زمین و... که همه این اصلاحات به کیفیت زندگی مردم کمک می‌کنند. دولت‌های ایران این اصلاحات قدرت دارند. بنابراین این دروغی بزرگ است که دولت‌ها یا یکدیگر تفاوتی نمی‌کنند زیرا نیروی توسعه‌یافته‌تر با ظرفیت طرح مسئله‌های بیشتر ضمن ابراز احترام به همه ایرانیان، سلاطین و احترام به اراده اکثریت و حفظ حقوق اقلیت. مسئله سیاست، قدرت و توازن قدرت است. همه این موارد در نهایت بر سرزشت مردم تأثیرگذار است. بخشی از رنجی که در یک دهه گذشته کشیدیم، بخش مهمی از توسعه‌نیافتگی و نابودی زیرساخت‌ها و محیط زیست ایران، بخش مهمی از حذف شدن ما از جهان، بخش مهمی از اینکه جایگاه‌مان را در زنجیره‌های تولید جهانی از دست می‌دهیم، محصول تحریم‌هاست و بدون برداشته شدن تحریم‌ها و توافقی در داخل برای اینکه تحریم‌ها به نحوی رفع، بی‌اثر یا کلا برداشته شوند، هیچ آینده خوبی در انتظار کشور نخواهد بود. این کار را هم از مسیر یک وفای داخلی و هم‌زمان عقلانیت در سیاست خارجی می‌توان انجام داد. اگر قرار باشد هرگونه اقدامی در سطح تحریم‌ها صورت بگیرد و منجر به یک نزاع اجتماعی - سیاسی در بالاترین سطح مانند ماجرای برجام شود، موضوع تحریم‌ها و بازگشت ایران به جهان حل نمی‌شود. درباره تحریم‌ها و آینده ایران باید واقع‌بین باشیم و به این واقعیت توجه کنیم که قدرت دولت‌ها زیاد است و دولت در صورت در پیش گرفتن رویه‌های عاقلانه در حوزه اقتصادی، سیاسی و ارتباط با فرادستان و فرودستان می‌تواند اصلاحات تدریجی را انجام داده و در ابتدای جاده توسعه قرار بگیرد. ما امروز از جاده توسعه خارج و از جاده عقلانیت از اساس بیرون هستیم. معضل برنامه‌کنندگان‌های ریاست‌جمهوری و به‌ویژه سه نفر از آنها آن است که از اساس در جاده اشتباه می‌روند؛ در چنین جاده‌ای هر قدر سریع‌تر برانیم، بدبخت‌تر می‌شویم.